

با بسته‌های اخلاقی فیلترینگ و پالایش محتوا در فضای مجازی

حسینعلی رحمتی*

حمید شهریاری**

چکیده

از منظر اخلاقی، مهم‌ترین هدف پالایش محتوا یا فیلترینگ پیشگیری از نقض اخلاق در فضای مجازی است؛ ولی تحقق چنین هدفی مستلزم آن است که همه مرتبطان با فیلترینگ با تکالیف خود آشنا باشند و برای عمل به آن‌ها تلاش کنند. تا این وظایف و دشواری‌های آن‌ها شناسایی نشود، نمی‌توان انتظار داشت فیلترینگ هم در خدمت اخلاق باشد و هم اخلاقی اعمال شود. این مقاله افزون بر معرفی مهم‌ترین وظایف شهروندان و نهادهای حاکمیتی درباره فیلترینگ، دشواری‌های آن را تحلیل می‌کند و برای کاهش آن‌ها راهکارهایی می‌دهد. وظایفی چون اطلاع‌رسانی، نظارت، دور نزدن فیلترینگ، همدلی و همراهی کاربران و نهادها و رازداری و امانت‌داری، و دشواری‌هایی چون خطای انسانی و فنی، تعارض وظایف اخلاقی و ضعف انگیزه را معرفی می‌کنیم. برای تبیین هرچه بهتر، وظایف را به مشترک و اختصاصی تقسیم کرده‌ایم. مبحث دیگر مقاله، تعریف وظیفه اخلاقی، اهمیت آن و مبانی و منشأ الزام وظیفه اخلاقی است.

کلیدواژه‌ها: فیلترینگ، پالایش محتوا، وظیفه اخلاقی، اخلاق فناوری اطلاعات و ارتباطات، اخلاق اسلامی.

* دانشجوی دکتری رشته فلسفه اخلاق دانشگاه قم (Harahmati2@gmail.com).

** استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت).

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۰۱.

مقدمه

ریشه دواندن فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاع‌رسانی، به‌ویژه اینترنت، در زندگی انسان امروز اگرچه منافع فراوانی دارد، همچون هر ابزار دیگر، از آن سوءاستفاده نیز می‌شود و مجالی برای وارد کردن آسیب‌های مادی و معنوی به دیگران است؛ از این رو تقریباً در همه کشورهای جهان، دولت‌ها بیشتر با فیلترینگ مانع دسترسی کاربران به برخی محتواها یا انجام دادن برخی کارها در فضای مجازی شوند.^۱ فیلترینگ فرایندی است که یک طرف آن افراد و نهادهای سیاست‌گذار و مجری هستند و طرف دیگرش کاربران فضای مجازی. از آنجاکه هر دو گروه متشکل از انسان‌های عاقل و مختار هستند، با توجه به اصل وظیفه‌مندی، همه انسان‌ها وظایفی دارند که تا به انجام دادن درست آن‌ها ملتزم نباشند، نمی‌توان انتظار داشت فیلترینگ به رشد اخلاق در فضای مجازی کمک کند؛ اما مسئله این است که تا بسترها فراهم نشود، نمی‌توان انتظار داشت مردم به وظایفشان عمل کنند. این مقاله به بررسی و تحلیل یکی از این مقدمات (تعریف وظایف و دشواری‌های آن) می‌پردازد.

به‌باور نگارنده اخلاق فیلترینگ به اخلاق کاربردی (و اخلاق هنجاری) مربوط است؛ پس پژوهش حاضر با پذیرش دیدگاه کسانی که یکی از وظایف این اخلاق را تطبیق اصول و ارزش‌های اخلاقی بر موضوعات خاص (در بحث حاضر، فیلترینگ) می‌دانند (طجری و شریفی، ۱۳۹۴) و مفروض می‌گیرند که فیلترینگ «فی‌الجمله» و حداقلی، مقبول و برای اخلاقی‌تر شدن فضای مجازی (و حقیقی) لازم است، می‌خواهد بدانند مهم‌ترین وظایف اخلاقی مرتبطان فضای مجازی درباره فیلترینگ چیست و چه دشواری‌هایی دارد. فرضیه مقاله ناظر به معرفی سه دسته وظیفه است: اول، وظایف مشترک کاربران عادی و نهادهای حاکمیتی (مهم‌ترین عوامل سیاست‌گذاری و اعمال فیلترینگ)؛ دوم وظایف خاص نهادهای

۱. تقریباً در همه کشورها فیلترینگ وجود دارد؛ ولی میزان و مصادیق آن در کشورهای مختلف، بسته به وضعیت فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی و موازین قانونی متفاوت است (برای بررسی گزارش نسبتاً جامع از فیلترینگ در کشورهای مختلف در همه قاره‌ها ر.ک Deibert and others, 2008 و <http://peyvandha.ir/0-5.htm>)

حکومتی؛ سوم وظایف خاص کاربران عادی. در ادامه نیز به مشکلاتی چون تعارض وظایف اخلاقی، توجیهات نظری، ضعف اخلاقی، ناآگاهی و خطای غیرانسانی پرداخته خواهد شد. پس از آن برای رفع (یا کاهش) این مشکلات، راهکارهایی می‌دهیم.

کاربرد و اهمیت این تحقیق، ناظر به اهمیت تلاش برای اخلاقی شدن فضای مجازی از طریق اعمال فیلترینگ و لزوم آگاهی مرتبطان آن از وظایف خود همچون مقدمه‌ای (البته فقط یکی از مقدمات) برای عمل به آنها است.^۱ این آگاهی بخشی اگر در حد کلیاتی از این دست باشد که باری مثال، «همه ما در قبال فیلترینگ وظیفه داریم و باید به وظایف خود عمل کنیم» کافی نیست؛ چون مخاطب نمی‌داند دقیقاً چه کارهایی را باید انجام دهد یا ترک کند؛ از این رو باید این وظایف را به تفصیل آورد و برای دشواری‌های آن چاره‌اندیشی کرد.

درباره ضرورت تحقیق باید گفت تا آنجا که نگارنده در پژوهش‌های چندساله خود درباره اخفا (اخلاق فناوری اطلاعات) جست‌وجو کرده، برای وظایف اخلاقی فیلترینگ هنوز کاری انجام نشده است؛ از این رو امید این مقاله، غنا بخشیدن به موضوع است. روش پژوهش از نظر گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی (پی‌جویی مطالب در فضای مجازی) و از نظر دادن اطلاعات، تحلیلی و کاربردی است. در بررسی موضوع افزون‌بر تحلیل‌های عقلی و فلسفی، از آموزه‌های اخلاقی اسلام نیز بهره برده‌ایم.

مفاهیم

۱. فیلترینگ: ممانعت از دسترسی کاربران به محتوای فضای مجازی یا امکانات آن است. هرچند پژوهش حاضر بیشتر ناظر به نهادهای رسمی است، برای فیلترینگی هم کاربرد دارد که برای مثال، مدیران سازمان‌ها یا حتی والدین اعمال می‌کنند؛ زیرا ماهیت کار یکی است، اگرچه دامنه تأثیر آن‌ها متفاوت است.

۲. مرتبطان فیلترینگ: کسانی که مستقیم یا غیرمستقیم بر فیلترینگ تأثیر می‌گذارند یا از

۱. این مطلب جدای از حکم عقل، پشتوانه نقلی هم دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ» (نهج البلاغه، ک ۳۶۶).

آن متأثر می‌شوند؛ اعم از نهادهای حاکمیتی که سیاست‌گذار و مجری فیلترینگ هستند و کسانی که فیلترینگ برایشان اعمال می‌شود؛ مانند کاربران عادی. وظیفه اخلاقی^۱: کارهایی که شخص از نظر اخلاقی ملزم به انجام دادن یا ندادن آن است؛ صرف نظر از اینکه منشأ الزام چه باشد.

وظیفه اخلاقی، مسئولیت اخلاقی و الزام اخلاقی

وظایف اخلاقی فیلترینگ با اوامر اخلاقی، الزام اخلاقی^۲ و مسئولیت اخلاقی^۳ مرتبط است. وقتی می‌توان کسی را بازخواست کرد که وظیفه‌ای برعهده داشته باشد. افزون بر حکم عقل، از نظر دینی نیز انسان درقبال وظایف و افعال اختیاری خود مسئول است^۴ و بازخواست می‌شود.^۵ از آنجاکه فعالیت‌های فیلترینگ نیز جزء رفتارهای اختیاری انسان است، آدمی درقبالش هم وظایفی برعهده دارد و هم بازخواست می‌شود. با تجزیه و تحلیل فرایند فیلترینگ فضای مجازی و با حصر استقرایی می‌توان دو گروه کاربران عادی و نهادهای حاکمیتی را مسئول و موظف دانست.

نکته دیگر این است که وظایف اخلاقی فیلترینگ را چه کسی «تعیین» می‌کند و چه چیزی ما را به انجام دادن آن‌ها «وادار» می‌کند؛ به عبارت دیگر، منبع الزام ما به انجام دادن وظایف اخلاقی چیست؟ همان‌گونه که کسانی چون شریفی (۱۳۹۰) گزارش کرده‌اند، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که از هر کدام می‌توان درباره فیلترینگ استفاده کرد. ابتدا به چند مورد از این نظریه‌ها اشاره و سپس دیدگاه مقبول خود را مشخص می‌کنیم. مارکوس سیسرو چهار منشأ را برای وظایف اخلاقی ذکر می‌کند: ۱. وظایف ناشی از انسان بودن

1. moral duty.

2. moral obligation.

3. moral responsibility.

۴. ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾، (اسرا / ۳۶).

۵. ﴿وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾، (صافات / ۲۴).

انسان؛ ۲. وظایف ناشی از نقش خاص فرد، برای مثال در خانواده، کشور یا شغل؛ ۳. وظایف ناشی از منش و شخصیت فرد؛ ۴. وظایف ناشی از انتظارات اخلاقی شخص از خودش (Cicero, 1928). قائلان نظریه امر الهی نیز معتقدند خداوند هم تعیین‌کننده وظیفه است و هم اوامر الزام‌آور (Wainwright, 2005). واقع‌گرایان، قراردادگرایان و پیروان اصالت فرهنگ نیز منش‌هایی را برای الزام ذکر کرده‌اند (Mellema, 2005: 413-414). وظیفه‌گرایانی چون کانت نیز عقل و قانون اخلاق را منبع الزام می‌دانند (Stratton-Lake, 2000: 45-59). ما با توجه به مبانی که در تحقیق حاضر انتخاب کرده‌ایم، معتقدیم برای وظایف اخلاقی درباره فیلترینگ نمی‌توان فقط به یک منبع بسنده کرد، بلکه باید گفت برخی وظایف اخلاقی، منشأ الزام عقلی (هرچند ممکن است شرع هم آن را تأیید کند) و برخی هم فقط پشتوانه نقلی دارند؛^۱ برای مثال، مسئول بودن انسان‌ها در قبال یکدیگر، لزوم همکاری در کارهای نیک و پرهیز از مشارکت در کارهای زشت و ناپسند (که در بحث فیلترینگ کاربرد دارد)^۲ را هم عقل و هم نقل^۳ تأیید می‌کند؛ ولی مسئول بودن انسان در برابر خداوند (که موجب شکل‌گیری وظایف

۱. اگرچه ضرورت اطاعت از این احکام هم در نهایت مستند به حکم عقل است.

۲. درباره مسئولیت همگانی می‌توان این مثال را مطرح کرد که نهادهای حاکمیتی مرتبط با فیلترینگ هم در قبال سلامت و امنیت اخلاقی و روانی جامعه مسئول هستند (از این رو وظیفه اخلاقی دارند که سایت‌ها و شبکه‌هایی را فیلتر کنند که به این امنیت آسیب وارد می‌کند) و از سوی دیگر، در قبال فراهم کردن زمینه‌های رشد علمی جامعه نیز مسئول‌اند و باید فیلترینگ را طوری اعمال کنند که نخبگان جامعه از منابع علمی محروم نشوند. درباره همکاری نکردن در کارهای ناشایست مرتبط با فیلترینگ نیز می‌توان این نمونه را آورد که آموزش راه‌های دور زدن فیلترینگ اگر به دلیل دسترسی به سایت‌های مستهجن یا نقض حریم خصوصی دیگران باشد، از مصادیق تعاون بر اثم و عدوان است و وظیفه اخلاقی کاربران فضای مجازی، پرهیز از آن است.

۳. پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره مسوولیت همگانی می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الْأُمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (دبلمی، ۱۴۱۲ق: ۱۸۴/۱). از این روایت، مسئول بودن همه افراد جامعه را اعم از افراد عادی و حاکمان و مدیران می‌فهمیم. درباره مساعدت در کارهای نیک و پرهیز از همکاری در کارهای ناپسند نیز قرآن تصریح می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اخلاقی از قبیل تضييع نکردن حق الله در فیلترینگ می شود) ^۱ فقط برای کسانی الزام آور است که مبانی دینی را باور داشته باشند.

نکته دیگر اینکه وظایف اخلاقی مبتنی بر مبانی مختلف انسان‌شناختی و الهیاتی است. در اینجا فقط به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. اراده، اختیار و امکان: بنابراین اگر برای مثال، مجریان فیلترینگ «امکان» این را داشته باشند که با فیلتر کردن بخشی از شبکه‌ای اجتماعی، مانع رفتارهای غیراخلاقی در آن شبکه شوند، موظف‌اند به همین میزان بسنده کنند و نباید با فیلتر کردن کل آن شبکه دیگران را از منافع آن محروم کنند.

۲. محترم بودن جان و مال و آبروی انسان‌ها ^۲ و لزوم پرهیز از ضرر زدن به آن‌ها: به این مبنا از چند منظر می‌توان نگریست. یکی اینکه انسان به دیگران آسیب یا زیانی وارد نکند و دیگر اینکه مانع وارد شدن ضرر (مادی و غیرمادی) به آن‌ها شود. ^۳ بر مبنای این حکم عقلی و شرعی ^۴ می‌توان مجموعه‌ای از وظایف را برای مرتبطان فیلترینگ

[...] تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ﴿۲﴾ (مائده / ۲).

۱. تضييع حق الله در فیلترینگ، مصادیق گوناگونی دارد؛ برای مثال، سایت‌ها و شبکه‌هایی که با محتوای غیراخلاقی یا سست به اسم دین، موجب تضعیف باورهای دینی افراد و دوری آنان از عبادت خداوند می‌شوند، حق خداوند را بر بندگانش (ایمان به خدا و اطاعت از او) نقض کرده‌اند؛ از این رو، مجریان فیلترینگ اگر مانع دسترسی افراد به این محتوا نشوند و کسانی که با فروش فیلترشکن موجب دسترسی به این محتوا می‌شوند، هردو در وظیفه اخلاقی خود کوتاهی کرده‌اند.

۲. پیامبر اکرم ﷺ در آخرین حج خود تاکید کردند «فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ رَبَّكُمْ» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۰۸/۸).

۳. یکی از مؤیدات این نظر، آیه ۶ سوره تحریم است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» این آیه نه تنها به مسئولیت انسان در قبال خود، بلکه با «اهلیکم» بر حفظ دیگران از چیزی تأکید کرده است که موجب سقوط آن‌ها در آتش هلاکتشان می‌شود.

۴. امام صادق علیه السلام: «المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده، [...] والمؤمن من ائتمنه المسلمون على أموالهم وأنفسهم»

تعریف کرد؛ برای مثال، متصدیان فیلترینگ باید سرمایه مادی یا معنوی افراد یا شرکت‌ها و مؤسسات صاحب سایت یا شبکه را محترم بدانند و در فیلترینگ آن‌ها به شدت احتیاط کنند.^۱ البته ضرر به دیگران ممکن است غیرمادی باشد. در این موارد هم باتوجه به مبنا، مرتبطان فیلترینگ باید از آن هم جلوگیری کنند؛ برای مثال، والدین موظف‌اند نظارت کنند مبادا فرزندانشان با دور زدن فیلترینگ به محتوای غیراخلاقی دسترسی پیدا کنند و دچار مشکلات اخلاقی و روحی شوند.

۳. بهره‌مندی انسان از حق آزادی و امنیت: براین اساس، از یک سو شهروندان (کاربران فضای مجازی) باید امکان عرضه اندیشه‌های خود و استفاده از نظرات دیگران را در این فضا داشته باشند و اصل عدم ممانعت از این حق با استفاده از فیلترینگ است؛ از سوی دیگر، هم شهروندان و هم حکومت باید امنیت همه‌جانبه داشته باشند و باتوجه به مبنا، نهادهای حاکمیتی موظف‌اند مانع دسترسی به سایت‌ها و شبکه‌هایی شوند که به این امنیت آسیب می‌رسانند.

وظایف اخلاقی فیلترینگ

پیش از این گفتیم مرتبطان فیلترینگ بر دو دسته‌اند. یکی کسانی که عمدتاً وظیفه سیاست‌گذاری و اجرای فیلترینگ را برعهده دارند که مصداق بارزشان نهادهای حاکمیتی هستند، و دیگر، کاربرانی که با فیلترینگ مواجه می‌شوند. برخی از وظایف اخلاقی برای هر دو گروه است و برخی هم مختص هر کدام؛ از این رو ابتدا برخی از مهم‌ترین تکالیف اخلاقی مشترک و سپس تکالیف خاص را بیان می‌کنیم.

الف) وظایف مشترک

۱. پرهیز از آسیب و زیان بی‌دلیل به دیگران: همه مرتبطان فیلترینگ باید از انجام دادن یا

(کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۲۳۴).

۱. بدیهی است مواردی که فقط در خدمت نقض اخلاق هستند (مانند سایت‌های مستهجن) از شمول این حکم خارج‌اند.

ندادن هر کاری خودداری کنند که موجب تضییع حق الله یا حق الناس (از افراد عادی جامعه تا نهادهای خرد و کلان آن) می شود؛ برای مثال، استفاده کاربر عادی از فیلتر شکن اگر موجب به خطر افتادن حریم خصوصی یا امنیت فرد یا سازمان شود، یا فیلتر کردن سایت یا شبکه ای اجتماعی اگر موجب وارد شدن ضرر غیرلازم به فرد یا جامعه شود، همگی از مصادیق ضرر زدن به دیگران و تضییع حق الناس است. همچنین اگر کسی با آموزش شیوه های دور زدن فیلترینگ موجب دسترسی افراد به محتوای غیراخلاقی یا مطالبی شود که باعث عصبان آن ها در برابر فرامین الهی شود، در واقع حق خداوند را بر بندگانش ضایع کرده است.^۱

۲. جبران آسیب ها و زیان ها: گفتیم با فیلترینگ، امکان ضرر زدن به دیگران و تضییع حقوق آن ها وجود دارد. حال اگر چنین اتفاقی افتاد، وظیفه کسی که موجب چنین وضعیتی شده آن است که به هر صورتی می توانند این آسیب ها را جبران کند؛ باری مثال، اگر سایتی به اشتباه فیلتر شده است، باید در اولین فرصت امکان دسترسی به آن فراهم و ضررهای مادی و معنوی احتمالی آن جبران شود. نهادهای متولی فیلترینگ می توانند با تدوین فرایند مشخص، این امکان را فراهم کنند که کاربران خطاهایشان را جبران کنند تا تضییع حقوق دیگران کاهش یابد؛^۲ از سوی دیگر، جبران خسارت برای کاربران هم مطرح است؛ برای مثال، چنانچه کارمندی به دلیل استفاده از فیلتر شکن موجب انتشار اطلاعات سازمانی یا سرقت اطلاعات شخصی مشتریان شد و به آنان خسارتی وارد کرد، موظف است آن را جبران کند.

۱. دسترسی متخصصان و صاحب نظران به محتوای فیلتر شده از شمول قاعده فوق بیرون است؛ حتی در مواردی لازم است امکان دسترسی این گروه از افراد به سایت های فیلتر شده حتماً فراهم شود.

۲. ندادن فرصت برای اصلاح خطاهای احتمالی، یکی از نقدهای فعالان فضای سایبر هم است؛ برای نمونه، مدیر یکی از سایت های خدمات ویلاگی معتقد است بیش از ۹۵ درصد از آنچه تخلف در فضای سایبر نامیده می شود، با دادن مستندات به مدیر محتوا و دادن بازه زمانی مناسب اصلاح می شود و نیاز به ورود قوه قضاییه و فیلتر کردن نیست (فخری، ۱۳۹۱).

۳. دانش‌افزایی: ناآگاهی فاعل اخلاقی از اصل وظایف خود یا آنچه بر انجام دادن بهتر وظایفش تأثیرگذار است، موجب می‌شود یا به‌کل از انجام دادن وظایفش غافل شود یا آن‌ها را نادرست انجام دهد و گمان کند کارش درست است.^۱ شاید به‌همین دلیل است که گفته‌اند در قیامت، کسی که در فراگیری وظیفه‌اش کوتاهی کرده است، مؤاخذه می‌شود.^۲ با توجه به تأثیر «معرفت» بر «فضیلت»، یکی از وظایف مرتبطان فیلترینگ این است که در این حوزه آگاهی‌های لازم را کسب کنند؛ برای مثال، کاربران موظف‌اند دربارهٔ رذایل اخلاقی در فضای مجازی یا پیامدهای استفاده از فیلترشکن و ... آگاهی کسب کنند. سیاست‌گذاران و مجریان فیلترینگ نیز باید ضمن شناخت وظایف اخلاقی خود، با کسب اطلاعات تخصصی و فنی دربارهٔ چگونگی پالایش محتوا ضمن کاهش احتمال خطا، از حقوق فردی و اجتماعی مردم محافظت کنند.

۴. اطلاع‌رسانی: مرتبطان فضای مجازی از نظر سطح سواد رسانه‌ای و امکان و انگیزه آشنایی با فیلترینگ، در یک سطح نیستند؛ از سوی دیگر، مباحث فیلترینگ (چه در اخلاق و چه غیر آن، از قبیل مسائل فنی) بسیار گسترده و گاه تخصصی است و نمی‌توان انتظار داشت خود افراد به‌تنهایی بتوانند متوجه آن‌ها شوند؛ از این رو، لازم است هریک از مرتبطان با این فضا، اطلاع‌رسانی را وظیفه‌ای اخلاقی بدانند. البته بدیهی است افراد تحصیل کرده‌ها یا نهادهای فرهنگی و اجتماعی و رسانه‌ها به‌دلیل امکانات یا آگاهی‌های بیشتری که دارند، وظیفه‌شان خطیرتر است؛ برای مثال، نهادهای حکومتی به مردم، والدین به فرزندان، مدیران سازمان‌ها به کارمندان و هریک از کاربران عادی نیز در حدّ توان و اطلاع خود به افراد دیگر (برای مثال، اعضای گروهی تلگرامی یا صفحه‌ای در فیس‌بوک و توییتر) آموزش‌های لازم را از قبیل اصل وظایف آن‌ها، حفظ امنیت شبکه و رفتارهای مجرمانه بدهد. دانش‌افزایی به‌موقع و درست

۱. به تعبیر قرآن «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (کهف/ ۱۰۴).

۲. امام صادق علیه السلام: «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَبْدِي، أَكُنْتَ عَالِمًا؟ فَإِنْ قَالَ نَعَمْ قَالَ لَهُ: أَفَلَا عَمِلْتَ بِمَا عَلِمْتَ؟ وَإِنْ قَالَ كُنْتُ جَاهِلًا قَالَ لَهُ: أَفَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ [...]» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۷۸).

شهروندان موجب محروم نشدن آنها از فضای مجازی می‌شود. اطلاع‌رسانی نهادهای حاکمیتی درباره موضوعاتی چون «مصادیق» رفتارهای مجرمانه (ر.ک «فهرست مصادیق محتوای مجرمانه»، سایت پلیس فتا، ۲۷ بهمن ۱۳۹۵) موجب کاهش فیلترینگ و مانع هزینه‌های غیرضروری بر حکومت، و در جامعه ما به دلیل وجود حکومت دینی بر دین، می‌شود.

۵. نظارت: گاه ممکن است افراد با وجود آگاهی از نادرستی فلان رفتار، به دلایلی چون غلبه هوای نفس، رقابت‌های ناسالم، حس کنجکاوی، سرگرمی، کسب درآمد و شهرت، رفتارهای نادرستی انجام دهند که به فیلترینگ منجر می‌شود یا به کارهایی چون فروش فیلترشکن و VPN اقدام کنند. همچنین گروه‌هایی چون کودکان و نوجوانان به دلایلی چون نداشتن تجربه و آگاهی کافی از تبعات رفتارهای خود ممکن است درصدد دور زدن فیلترینگ و دسترسی به محتوای غیراخلاقی فضای مجازی برآیند. همچنین مجریان فیلترینگ ممکن است از موقعیت خود برای مثال، ایجاد محدودیت برای دسترسی به سایت‌ها و صفحات رقبای سیاسی خود برآیند؛ از این رو، نظارت بر رفتارهای دیگران در فضای مجازی نیز وظیفه اخلاقی همه مرتبطان فیلترینگ است. مصادیق این نظارت بسیار متنوع است؛ برای مثال، والدین باید نظارت کنند مبدا فرزندانشان با فیلترشکن به محتواهای غیراخلاقی دسترسی پیدا کنند یا مدیران سازمان‌ها باید نظارت کنند مبدا کارمندان با فیلترشکن موجب نقض حریم خصوصی مشتریان شوند. متصدیان سیاست‌گذاری و مصداقیابی فیلترینگ نیز وظیفه دارند ضمن نظارت بر فضای مجازی، با تذکر و اخطار یا مسدود کردن دسترسی، همچنین نظارت بر افراد مجموعه خود، مانع تضییع حقوق مردم شوند.^۱ نظارت فقط وظیفه نهادها یا سیاست‌گذاران و مجریان نیست، بلکه کاربران عادی نیز چنین وظیفه‌ای دارند؛ برای مثال، استاد دانشگاه یا معلم دبیرستان یا

۱. جلوه بارز نظارت بر کارگزاران و مواظبت بر حفظ حق‌الله و حق‌الناس را در سیره حکومتی امام علی علیه السلام می‌بینیم. نامه عتاب‌آمیز امام به عثمان‌ابن‌حنیف، کارگزار او در بصره، نشان‌دهنده سیستم نظارتی حضرت بر کارگزاران خویش است (نهج‌البلاغه، ن ۴۵).

امام جماعت مسجد می تواند با جلب اعتماد مخاطبان خود، به ویژه نوجوانان و جوانان، بر آن رفتارهای آنان که به فیلترینگ مربوط است، نظارت و آنان را راهنمایی کنند.

۶. همدلی، همکاری و اعتماد متقابل فیلترکنندگان و کاربران. سیاست گذاری، مصداق یابی و اجرای فیلترینگ باید به گونه ای باشد که ضمن جلب اعتماد کاربران، آنان قانع شوند از باب «همکاری در کارهای نیک»^۱ با این سیاست ها و برنامه ها همراه شوند و از باب «معاونت نکردن در کارهای ناپسند» از انجام هر کاری خودداری کنند که موجب فیلترینگ می شود.^۲ تجربه نشان داده است در صورت نبود این اعتماد و همراهی متقابل، وظایف و برنامه هایی که برخی برای حاکمیت تعریف کرده اند (شهریاری، ۱۳۹۵) به نتیجه لازم خود نمی رسد و در مواردی حتی انگیزه برخی برای نقض قوانین فیلترینگ افزایش می یابد.

ب) وظایف خاص

ب ۱. وظایف اخلاقی کاربران

۱. دقت در تولید محتوا: کاربران باید با رفتار مسئولانه و اخلاقی و پرهیز از تولید و توزیع محتوای نامناسب، مانع فیلتر شدن سایت ها و شبکه ها بشوند که عده فراوانی به درستی از آن خا استفاده می کنند. فراهم کردن موجبات فیلترینگ، در واقع سد کردن باب خیر است و دیگران را از مزایا و منافع فضای مجازی محروم می کند. بررسی های میدانی و تصریح برخی افراد مطلع، مانند وزیر اطلاعات، نشان می دهد در کشور ما نقض کنندگان اخلاق در این فضا در مجموع در اقلیت اند («وزیر اطلاعات: به تمام...»، سایت عصر ایران، ۱۷ بهمن ۱۳۹۵، کد خبر: ۵۲۱۹۴۹)؛ ولی همین افراد گاه موجب می شوند برخی سایت ها یا شبکه ها فیلتر شوند و اغلب افراد از منافع غالب آن محروم شوند. اگر بخواهیم با زبان اخلاقی اسلام سخن

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ﴿مائدة/ ۲﴾.

۲. امروزه مجامع جهانی نیز بر مسئولیت و همکاری متقابل شهروندان و دولت ها درباره فیلترینگ و استفاده درست از فضای مجازی تأکید می کنند. توصیه نامه کمیته وزیران شورای اروپا یکی از نمونه هاست (Recommendation CM/Rec, 2008).

بگوییم، باید بگوییم رفتار چنین کسانی از مصادیق «ممانعت از خیر» و غیراخلاقی است.

۲. پرهیز از دور زدن فیلترینگ: در هر جامعه‌ای، افراد به دلایل و با انگیزه‌های مختلف (مانند اعتقاد نداشتن به اصل فیلترینگ یا دسترسی به سایت‌های مفید فیلترشده) سامانه فیلترینگ را دور می‌زنند؛ اما صرف‌نظر از درست یا نادرست بودن این انگیزه‌ها، همان‌گونه که دبیر سابق شورای عالی فضای مجازی گفته، دور زدن سامانه فیلترینگ کشور جرم است (اخوان بهابادی، سایت انتخاب، ۲۷ تیر ۱۳۹۲، کد خبر: ۱۲۱۳۲۲)؛ پس می‌توان گفت به چند دلیل این کار غیراخلاقی هم است. یکی اینکه در هر جامعه‌ای، قانون پیمان حکومت و شهروندان است؛ از این رو نادیده گرفتن آن، نقض پیمان است؛ از سوی دیگر، همان‌گونه که مک‌نیون گفته است، «احتمال اینکه در جامعه‌ای تابع قانون، خوشحالی به حداکثر و رنج به حداقل برسد، بیشتر از این احتمال در جامعه‌ای بی‌قانون است.» (مک‌نیون، ۱۳۹۵: ۱۵۸-۱۵۹)؛ بنابراین، یکی از وظایف اخلاقی شهروندان، خودداری از دور زدن فیلترینگ و استفاده از فیلترشکن است. البته این دیدگاه مخالفانی نیز دارد که لازم است ادله آن‌ها را در جای خود بررسی کنیم.^۱

۳. نقد سیاست‌ها و رفتارها: همه افراد جامعه، به‌ویژه فرهیختگان و اندیشمندان وظیفه دارند از یک‌سو رفتار خود و دیگر شهروندان و از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌ها و شیوه فیلترینگ را نقد و بررسی کنند تا هم اخلاقی باشد و هم در خدمت اخلاق.^۲

۱. مخالفان ممکن است به شیوه اعمال فیلترینگ اعتراض کنند یا با اسنادی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره آزادی بیان، فیلترینگ را در تعارض با حقوق شهروندی بدانند؛ از این رو به‌باور نگارنده یکی از عوامل تقید کاربران به اخلاق و قانون در فیلترینگ، عملکرد درست نهادها و مسئولان است. برخی از این وظایف با کاربران مشترک و برخی هم مختص این نهادهاست؛ افزون‌براین، فیلترینگ گاه موجب تعارض اخلاقی دو یا چند وظیفه (برای مثال، صیانت از حریم خصوصی شهروندان و حفظ حقوق شهروندی‌شان در دسترسی به اینترنت) می‌شود. نگارنده این مسئله را جداگانه بررسی کرده و امیدوار است امکان انتشار بیابد.

۲. نقد کردن را نه تنها عقل و عقلا، که شرع هم تأیید می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر یکی از جلوه‌های تأیید ضرورت انتقاد در جامعه است. قرآن کریم نه تنها امر به معروف و نهی از منکر را ویژگی امت‌های صالح می‌داند ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ

ب ۲. وظایف اخلاقی نهادهای حاکمیتی

نهادهای حاکمیتی سیاست‌گذار، برنامه‌ریز، تعیین‌کننده مصداق و مجری فیلترینگ، مانند شورای عالی فضای مجازی، کمیته تعیین مصادیق مجرمانه، پلیس فتا و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مسئولیت سنگینی برعهده دارند و عملکرد آنان بر رفتار اخلاقی و زندگی تک‌تک افراد جامعه و حتی بر نسل‌های بعدی تأثیر می‌گذارد. اکنون به برخی از مهم‌ترین وظایف این دسته اشاره می‌کنیم.

۱. مراعات عدالت و پرهیز از تبعیض: در دین ما عدالت جایگاه والایی دارد و یکی از شرایط دوام حکومت است.^۱ مسئولان در فیلترینگ نیز باید همواره به عدالت توجه کنند؛ برای مثال، اگر محتوایی خاص یا توهین به دیگران موجب فیلترینگ می‌شود، باید همه سایت‌ها و صفحات مشابه را فیلتر کرد.^۲ همچنین دادن اطلاعات لازم به افراد ذی‌نفع درباره علت فیلترینگ یا راه‌های رفع آن نیز از مصادیق رفتارهای عادلانه است.

۲. دقت در تعیین مصادیق: تشخیص مجرمانه بودن برخی رفتارها برای فیلتر کردن پایگاه یا شبکه‌ای مانند تولید و توزیع مطالب و تصاویر مستهجن، کارچندان دشواری نیست و معمولاً هم خرد جمعی جامعه آن را می‌پذیرد. مشکل در مواردی است که چنین وضوحی وجود ندارد. در این مرحله است که بی‌توجهی و کم‌دقتی ممکن است منجر به نقض اخلاق شود؛ برای مثال، در آیین‌نامه تعیین مصادیق مجرمانه فضای سایبر، «اهانت و

أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ آل عمران/ ۱۱۰) بلکه یکی از دلایل ملعون شدن برخی جوامع را ترك نهی از منکر می‌داند (﴿لَعْنَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ ... كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ﴾؛ مانده / ۷۸ - ۷۹).

۱. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مَلِكُهُ» و «ثَبَاتُ الدُّوَلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶:

۲. یکی از مصادیق تبعیض این است که تا این تاریخ (تابستان ۱۳۹۶) در کشور ما شبکه‌های تلگرام و اینستاگرام در دسترس هستند؛ درحالی‌که فیس‌بوک و توئیتر فیلتر شده‌اند. وقتی این سایت‌ها از نظر کارکرد و امکانات و حتی استقرار سرورها در خارج از کشور شبیه هم هستند، چندان روشن نیست که علت این تفاوت‌ها چیست.

هجو نسبت به مقامات، نهادها و سازمان‌های حکومتی و عمومی» یکی جرم‌هاست («فهرست مصادیق محتوای مجرمانه»، سایت پلیس فتا، ۲۷ بهمن ۱۳۹۵). حال در تعیین مصادیق چنین مواردی باید مواظب بود مبادا برای مثال، نقد، توهین یا طنز، هجو تلقی شود. باید از معیارهای روشن استفاده کرد؛ حتی تاجایی که مقدور است از استانداردهای مشترک جهانی بهره گرفت تا امکان رفتار سلیقه‌ای به کمترین حد برسد.

۳. رازداری و امانت‌داری: مسئولان در بررسی سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی ممکن است به اطلاعات گوناگونی از زندگی شخصی، کاری و اجتماعی افراد یا حتی مشخصات فنی سایت یا شرکت و سازمان دسترسی پیدا کنند. آنان وظیفه اخلاقی دارند که مانع قرار گرفتن این اطلاعات در دست افراد غیرلازم شوند.

۴. نگرش به فیلترینگ همچون آخرین راه‌حل: از آنجاکه فیلترینگ با اخلاق و حق الناس سروکار دارد، برای احتیاط درست‌تر آن است که در صورت مواجه شدن با خطای کسی یا سایتی یا شبکه‌ای، ابتدا تذکر و اخطارهای لازم داده شود. اگر هیچ‌کدام مؤثر واقع نشد، فیلتر کنند. این روش به‌ویژه برای خطاهایی مؤثر است که به‌گفته مدیر سایت «پارسی بلاگ»، ناشی از ناآگاهی کاربران یا شیطنت‌هایی است که مقتضای سن کاربران جوان و نوجوان است. بسیاری از آن‌ها با تذکری ساده یا به‌کمک کسانی چون مدیران شبکه‌ها یا خدمات‌دهندگان وبلاگی حل می‌شود و به دخالت قضایی و فیلترینگ نیازی نیست (فخری، ۱۳۹۱).

۵. استفاده از خرد جمعی: جدای از تأیید عقل، در آموزه‌های دینی نیز بر اصل مشاوره و همفکری و تأثیر آن بر کاهش خطاها تأکید شده است؛^۱ از این‌رو، نهادهای سیاست‌گذاری و سامان‌دهی فیلترینگ، همان‌طور که یکی از اعضای کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه

۱. جدای از آیاتی چون دستور خداوند به پیامبر ﷺ که ﴿وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران/ ۱۵۹) در روایات نیز پیامدهای مشورت و ویژگی‌های مشاوران آمده است؛ برای نمونه، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مشاوره با عقلا موجب در امان ماندن از خطا و پشیمانی می‌شود.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۲).

درباره شورای فضای مجازی گفته است، اگر بخواهند به گروهی منحصر شوند، نمی‌توانند تمامی اهداف خود را محقق کنند. وی می‌گوید: «استفاده از افراد دیگر و نخبگان این حوزه می‌تواند موجب جدیت کاری و پرهیز از تصمیمات سلیقه‌ای شود.» (آقامیری، ۱۳۹۲). بهره‌گیری از نظرات افراد آگاه به زمان و فضای مجازی و متخصص در رشته‌های مختلف از قبیل اخلاق، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی و حقوق عمومی، امکان خطا را در سیاست‌گذاری و اجرای فیلترینگ کاهش می‌دهد؛ در نتیجه، اصول اخلاقی بیش‌ازپیش مراعات می‌شود.

۶. تهیه کدها و منشورهای اخلاقی: عامل اخلاقی در عمل به بیان روشن وظایف نیاز دارد و کلی‌گویی گره‌ای از کار او باز نمی‌کند. امروزه کمیته‌های اخلاق در کشورهای مختلف سعی می‌کنند وظایف اخلاقی هر رشته‌ای را واضح و جزئی و در قالب منشورها و کدهای اخلاقی^۱ تدوین کنند. در فناوری اطلاعات هم تاکنون چندین منشور تهیه کرده‌اند؛ مانند منشورهای اخلاقی اعضای^۲ IEEE،^۳ BCS،^۴ ACM و^۵ ACS. (ابراهیمی و نیستانی، ۱۳۹۲). برای فیلترینگ نیز لازم است نهادهای حاکمیتی چنین کاری کنند تا فیلترینگ و تبعاتش کاهش یابد.

۷. حسن ظن، سعه صدر و انتقادپذیری: نهادها و مسئولان فیلترینگ باید بدانند فعالیتشان همچون هر تلاش انسانی دیگر، در معرض خطاست.^۶ بهترین راه اصلاح این

1. Moral Codes.

2. the Institute of Electrical and Electronics Engineers.

3. the British Computer Society Code of Conduct.

4. the Association for Computing Machinery.

5. the Australian Computer Society Code of Ethics.

۶. وقتی امام علی علیه السلام درباره خود می‌فرماید «فَأَبَى لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِي أَنْ أُحْطِيَ وَلَا أَمَنْ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي» (نهج البلاغه، خ ۲۱۶)، تکلیف دیگرانی چون ما روشن است. از سخن امام دو نکته به دست می‌آید که برای مردم و مسئولان مفید است. یکی اینکه امام احتمال خطا را جدی می‌گیرد که موجب می‌شود که به نظارت و نقد اهتمام

است که علاوه بر نظارت خود این نهادها بر سیاست‌ها و عملکردهای خود، از نقدهای کاربران فضای مجازی نیز استفاده کنند؛ به‌ویژه اگر از فرهیختگان و شخصیت‌های دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شناخته‌شده باشد. نگاه دست‌اندرکاران فیلترینگ به آن‌ها باید با حسن ظن و سعه صدر کافی باشد^۱ تا برای هر انتقادی لازم نباشد پایگاهی اینترنتی مسدود و یک یا چند نفر از فضای سایبر از حقوق خود محروم شوند. همچنین باید تدبیری اندیشید که کاربران امکان اعتراض به فیلتر کردن سایت یا صفحه خود را داشته باشند و به این اعتراض‌ها رسیدگی شود. تجربه نشان داده مسدود کردن این سایت‌ها معمولاً نارضایتی، بدبینی و گاه اعتراض فرهیختگان جامعه را به دنبال داشته است.^۲

۸. انتخاب ضابطان و مدیران مناسب: برای برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای فیلترینگ لازم است کسانی انتخاب شوند که چنین ویژگی‌هایی داشته باشند: اخلاق مدار، واقع‌بین، آشنا با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اجتماعی جامعه و به‌ویژه جامعه هدف (مرتبطان فضای مجازی) و از آن خاص‌تر، نسل جوان و تحصیل‌کرده. با این کار، هم فیلترینگ سامان بهتری پیدا می‌کند و هم تبعات اخلاقی و نااخلاقی^۳ آن کمتر می‌شود.

۹. شفقت به دیگران و چاره‌اندیشی برای کاهش فیلترینگ: با توجه به تبعات گوناگون اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فیلترینگ برای شهروندان و کشور، وظیفه مسئولان است که برای کاهش این تبعات تلاش کنند. برنامه‌ریزی برای تربیت و

بورزد و دیگر اینکه از اعلام کردن آن ابایی ندارد و آن را موجب کسر شأن خود نمی‌داند.

۱. فراموش نکنیم که در فرهنگ اسلامی، سعه صدر یکی از ویژگی‌های مدیران جامعه است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «آلَةُ الرَّأْسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۲/۳۵۷)

۲. مطالب تحلیلی و انتقادی که در فضای مجازی قرار می‌گیرد، از دو حال خارج نیست: یا درست است یا نادرست. مدیران باید تولیدکنندگان اولی را «بهترین دوستان» خود بدانند که به مصداق کلام امام صادق علیه السلام «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى عُيُوبِي إِلَيَّ» (همان: ۲۸۲/۷۱) به وظیفه اخلاقی خود عمل کرده‌اند. بهترین رفتار با گروه دوم، توضیح دادن و گفتن حقیقت است.

3. nonmoral.

توانمندسازی شهروندان برای حضور سالم در فضای مجازی و پرهیز از رفتارهای غیراخلاقی، یکی از مصادیق این تلاش‌هاست.

مشکلات و موانع عمل به وظیفه اخلاقی

هرچند مطلوب آن است که همهٔ مرتبطان فیلترینگ به وظایف اخلاقی خود عمل کنند، واقعیت این است که نباید گمان کرد به صرف معرفی وظایف، کار تمام شده است. همچون دیگر عرصه‌های فضای مجازی (و فضای حقیقی)، عمل به وظایف اخلاقی با دشواری‌هایی روبه‌روست که باید برای رفع یا کاهش آن‌ها چاره‌اندیش کرد. در اینجا به برخی از این دشواری‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. تعارض اخلاقی: تعارض اخلاقی^۱ «موقعیتی است که فاعل اخلاقی هم‌زمان دو یا چند وظیفه اخلاقی دارد که هرکدام به‌تنهایی وظیفه او است؛ ولی اتفاقاً و فقط به‌دلیل هم‌زمانی نمی‌تواند همهٔ آن‌ها را انجام دهد.» (بوسلیکی، ۱۳۹۱: ۶۱) تعارض اخلاقی آن‌گونه که هوگلی (۱۳۹۴: ۲۱۶-۲۳۱) گزارش کرده است، در همهٔ مکاتب اخلاقی امکان وقوع دارد و دست‌کم در فلسفه غرب می‌توان آن را از یونان باستان تا عصر حاضر ردیابی کرد (همان). تعارض در فیلترینگ هم امکان وقوع دارد؛ برای مثال، استاد دانشگاه یا پزشک حاذق از یک‌طرف خود را موظف به ارتقای دانش خویش می‌داند تا بتواند به مردم خیر بیشتری برساند و از سوی دیگر، در مواقعی برای دسترسی به این منابع با سایت‌هایی مواجه می‌شود که فیلتر شده‌اند و او نباید فیلترینگ را دور بزند. یا در شبکه‌ای، اجتماعی هزاران نفر خطایی نمی‌کنند و مسئولان فضای مجازی موظف‌اند امکان استفاده از این شبکه را به آن‌ها بدهند؛ از سوی دیگر عده‌ای خطا می‌کنند و مدیران خود را ملزم می‌بینند با فیلترینگ مانع کارشان شوند. این کار (اگر امکان تفکیک نباشد) مستلزم مجازات و متضرر شدن افراد بی‌گناه است. اینجا مسئولان فیلترینگ در واقع با تعارض دو وظیفه مجازات کردن افراد خطاکار و مجازات

1. Moral dilemma.

نکردن افراد بی‌گناه مواجه می‌شوند.

۲. ناآگاهی از وظایف: تاجایی که نگارنده متوجه شده است، نگاه بیشتر کاربران عادی فضای مجازی به امکانات این فضا، کاربردی و سودانگاران است؛ یعنی هر کاری می‌کنند که برایشان جذاب یا در راستای علایقشان باشد و معمولاً هیچ‌گاه خود را در این فضا «فاعل اخلاقی» در نظر نمی‌گیرند؛ پس چندان دنبال شناخت وظایف خود یا حساس به اجرای آن‌ها نیستند.

۳. شکاف معرفت و عمل: لازمه عمل به وظایف این است که فاعل اخلاقی از وظایف خود مطلع باشد؛ ولی این‌گونه نیست که هر آگاهی «لزوماً» به عمل منتهی شود؛ یعنی ممکن است شخص به وظایف خود آگاهی پیدا کند؛ ولی به دلایلی، که بخشی از آن به روان‌شناسی اخلاق برمی‌گردد، به وظایف خود عمل نکند. مسئولیت‌گریزی و منفعت‌طلبی از جمله این دلایل است؛ برای مثال، شخص می‌تواند با فیلترشکن هویت واقعی خود را پنهان و آزادانه‌تر رفتار کند، در قبال رفتارهای خود به کسی پاسخگو نباشد و هزینه‌ای پرداخت نکند.

۴. مقذور نبودن عمل به وظیفه: گاه ممکن است شخص انگیزه کافی برای عمل به وظیفه خود داشته باشد؛ ولی به دلیل شرایط خاص فضای مجازی امکان آن را پیدا نکند؛ برای مثال، اگر با فیلتر شدن سایتی دسترسی اندیشمندان به منابع علمی محدود و رشد جامعه و خیر رساندن به مردم دچار مشکل شد یا اگر کسی با ابزار دور زدن فیلترینگ به دیگران زیان رساند، با توجه به عواملی چون گستردگی فضای مجازی، متعدد و ناشناس بودن و در دسترس نبودن بسیاری از کاربران، مشخص نبودن شعاع زبان‌ها، کسی که به دیگران زیان زده است نمی‌تواند به وظیفه خود عمل کند. ممکن است بگویند باید «به‌هراندازه» که برایش مقذور است، جبران مافات کند. این راهکار هرچند تا اندازه‌ای راهگشاست، میزان تأثیر این کار نیز در فضای مجازی چندان روشن نیست؛ برای مثال، شخص نمی‌تواند متوجه شود چند نفر از فیلترشکنی استفاده می‌کنند که او به دیگران داده یا برای چند نفر هزینه‌ساز بوده است؛ پس اگر در سایش یا شبکه‌های اجتماعی توضیحاتی

هم بدهد، باز مشخص نیست کسانی که با کار او دچار مشکل شده‌اند، متوجه این توضیحات و دیگر تلاش‌های جبرانی آن بشوند؛ حتی اگر مطلع شوند، معلوم نیست این تلاش‌ها بتواند ضررها را جبران کند.

۵. توجیهات نظری: برخی نظریه‌های اخلاقی و فلسفی می‌تواند مانع عمل به وظایفی شود به آن‌ها اشاره کردیم؛ برای مثال، کسانی که فیلترینگ، به‌ویژه فیلترینگ دولتی را مخالف آزادی انسان و توهین به عقلانیت او می‌دانند، دور زدن فیلترینگ را نه تنها غیر اخلاقی نمی‌دانند که معتقدند کمک به آن وظیفه اخلاقی است. همچنین اگر کسی طرفدار «نسبی‌گرایی اخلاقی» باشد، ممکن است آنچه دیگران وظیفه اخلاقی درباره فیلترینگ می‌دانند، مختص خود آن‌ها بدانند و از آن سر باززند.

۶. مشکلات ناشی از خطاهای غیر انسانی: اگر ماشین‌های هوشمند به دلیل عوامل مشخص یا نامشخص با اعمال کردن یا نکردن فیلترینگ به دیگران آسیب بزنند، ضرورت اخلاقی جبران این ضررها پیش می‌آید و اینکه چه کسی باید پاسخ‌گو باشد. این موضوع تابعی از بحث جدی و امروزی «اخلاق ماشین‌های هوشمند» است.^۱ مقصود از ماشین‌های هوشمند، سامانه‌ها یا پایانه‌هایی است که حاوی فهرستی از واژه‌ها و اصطلاحات خاص یا آدرس‌های اینترنتی هستند و خودکار مانع دسترسی به آن‌ها می‌شوند. بحث حاضر را درباره «فیلترینگ هوشمند» نیز می‌توان پیگیری کرد. «فیلترینگ هوشمند سامانه‌ای پیشنهادی در ایران است که برای حذف محتوای نامناسب در اینترنت پیشنهاد شده است و قرار است به صورت خودکار بخش‌های نامناسب از محتوای تبادل‌شده در اینترنت را تشخیص داده و آن‌ها را حذف نماید.» «فیلترینگ هوشمند اینترنت»، ویکی‌پدیا، ۲۷ بهمن ۱۳۹۵.

راه‌کارهایی برای کاهش دشواری‌ها

هرچند به دلایل گوناگون نمی‌توان رفع همه دشواری‌های فیلترینگ را انتظار داشت،

۱. برای نمونه ر.ک: والاش و آلن که ممکن بودن یا نبودن اخلاقی بودن ماشین‌های هوشمند را بررسی کرده (Wallach and Allen, 2009) یا آثاری که به بررسی «اخلاق ربات‌ها» پرداخته‌اند (Tzafestas, 2015).

نگارنده معتقد است با بهره‌گیری از موارد زیر می‌توان به کاهش برخی از آن‌ها کمک بسیاری کرد.

۱. استفاده از نظریات رفع تعارض: راهکارهای برخی فیلسوفان اخلاق برای رفع تعارض‌های فیلترینگ هم کاربرد دارد. استفاده از قاعده‌های مهم و مهم (رضوانی، ۱۳۹۲) یا تفکیک وظایف در نگاه نخست و وظایف در مقام عمل (از دیوید راس) جزء این نظریات‌اند؛ برای مثال، با نظریه سودگرایی، هرگاه متخصصی سر دوراهی مراعات قانون فیلترینگ و افزایش اطلاعات تخصصی خود قرار گرفت، می‌تواند به دومی عمل کند. براساس دیدگاه راس (اترک، ۱۳۸۷) در نگاه نخست، شخص هم وظیفه دارد قانون فیلترینگ را مراعات کند و هم برای مثال، از کشور خود (با سایت‌های فیلترشده) دفاع کند. این دو وظیفه تعارض دارند؛ ولی هنگام عمل، او با سنجیدن موقعیت اخلاقی خود نتیجه می‌گیرد که فقط یکی از این دو مهم‌تر، درست‌تر و الزامی است؛ به این ترتیب، تعارضی در عمل پیش نمی‌آید.

۲. فیلترینگ حداقلی: مقصود از فیلترینگ حداقلی، اعمال محدودیت دسترسی به کمترین میزان و در کمترین موارد و پرهیز از گشاده‌دستی است؛ براین اساس، مجریان فیلترینگ می‌توانند برای مثال، هنگام تعارض وظیفه‌ی جلوگیری از رفتارهای نادرست بخش‌هایی از سایت یا شبکه‌ای اجتماعی و وظیفه‌ی امکان دسترسی به کسانی که در آن سایت خطا نمی‌کنند، به جای فیلتر کردن دامنه اصلی، فقط صفحات و کانال‌های غیراخلاقی آن را فیلتر کنند. این کار به گفته وزیر ارتباطات امکان‌پذیر («توضیح وزیر درباره...»، سایت فرارو، ۱۸ آبان ۱۳۹۴، کد خبر: ۲۵۲۲۵۹)، برای تلگرام انجام شده («تلگرام کانال‌های غیراخلاقی...»، سایت پارسینه، ۲۴ آبان ۱۳۹۴، کد مطلب: ۲۶۰۵۲۳) و برای بسیاری از سایت‌ها و شبکه‌های دیگر هم شدنی است.

۳. جبران خطای ماشین‌های هوشمند: بررسی تفصیلی این موضوع، فرصت دیگری می‌خواهد گذارد؛ اما در اعمال نادرست فیلترینگ هوشمند، چند عامل نقش دارد: ۱. اطلاعاتی که عامل انسانی به ماشین داده است؛ برای مثال، سامانه فیلترینگ پایگاهی را فیلتر کرده است که آدرسش را متصدیان در بانک اطلاعات او قرار داده‌اند؛ ۲. عامل انسانی خطا نکرده است؛ ولی خود سامانه به دلایلی مانند مشکلات نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری یا

حملات سایبری، در فیلترینگ خطا و حقوق دیگران را ضایع کرده است. در اولی، عامل انسانی تقصیر اخلاقی دارد و موظف است آن را جبران کند. در دومی، باتوجه به ضرورت جبران حق الناس، آن نهاد و چنانچه نهاد دولتی است، در واقع بیت‌المال، موظف است زیان‌ها را جبران کند.^۱

۴. طبقه‌بندی محتوا متناسب با نیاز کاربران: می‌توان در راستای نیازهای هر دسته از کاربران (پزشکان، صنعتگران، محققان حوزوی و دانشگاهی و سیاستمداران) امکان دسترسی به امکانات و محتوای لازم را برای آن‌ها فراهم کرد تا دیگر به فیلترشکن یا VPN‌های غیرقانونی نیازی نداشته باشند. برخی از مدیران و برنامه‌ریزان فضای مجازی در کشورمان به این نکته توجه («چگونگی ثبت نام برای ...»، سایت انتخاب، ۱۲ بهمن ۱۳۹۱، کد مطلب: ۹۴۱۷۵) و بر ضرورت دقت به نیازهای متفاوت اقشار مختلف جامعه از نظر سطح دسترسی تأکید کرده‌اند (اخوان بهابادی، ۱۳۹۱: ۱۱).

نتیجه‌گیری

اگرچه فیلترینگ حداقلی برای اخلاقی شدن فضای مجازی ضروری است، برای تحققش هم کاربران و هم سیاست‌گذاران و مجریان فیلترینگ وظایفی دارند که باید به آن‌ها عمل کنند. وظیفه اخلاقی منشأ الزام عقلی و دینی دارد و با مسئولیت انسان در ارتباط است. برخی وظایف اخلاقی فیلترینگ، مشترک شهروندان و نهادهای حاکمیتی است؛ البته با تفاوت دامنه و مصداق. برخی وظایف هم مختص هر گروه است. عمل به این وظایف، دشواری‌های عملی و نظری دارد. برای کاهش آن‌ها راه‌کارهایی هست، هرچند نباید توقع داشت همه آن‌ها کامل رفع شوند. اهتمام مرتبطان فیلترینگ به وظایف اخلاقی خود می‌تواند موجب اخلاقی‌تر شدن فضای مجازی و در نتیجه، کاهش فیلترینگ و تبعات آن شود.

۱. در سیره معصومان علیهم‌السلام هم مواردی بوده است که ایشان دستور داده‌اند ضررهای افراد از بیت‌المال جبران شود (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی.
۳. ابراهیمی، یاسر و زهرا نیستانی (۱۳۹۲)، منشورهای اخلاقی در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانشگاه قم و دبیرخانه شورای عالی فضای مجازی، قم.
۴. اترك، حسین (۱۳۷۸)، «وظایف اخلاقی در دیدگاه دیوید راس»، آینه معرفت، س ۶، ش ۱۷، ص ۱۲۱-۱۴۷.
۵. اخوان بهابادی، مهدی (۱۳۹۱) «خبرنگاران اولویت نخست برای دریافت وی پی ان قانونی»، روزنامه بهار، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱.
۶. یوسلیکی، حسن (۱۳۹۱)، تعارض اخلاقی و دانش اصول فقه: بازخوانی ظرفیت های اصول فقه در حل تعارضات اخلاقی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: مصطفی درایتی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۸. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۱۲ق)، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم.
۹. رضوانی، علی (۱۳۹۲)، «شاخص های تقدیم اهم بر مهم در تراحم های اخلاقی»، معرفت اخلاقی، س ۴، ش ۱، ص ۵-۱۸.
۱۰. رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۸۶)، «پژوهشی در بیت المال»، فصلنامه فرهنگ جهاد، س ۱۲، ش ۴۷، ص ۱۱۴-۱۳۸.
۱۱. شریفی، عنایت الله (۱۳۹۰)، «منشأ الزام در مفاهیم و گزاره های اخلاقی»، پژوهش نامه اخلاق، س ۴، ش ۱۱، ص ۱۰۵-۱۲۸.
۱۲. شهریار، حمید (۱۳۹۵)، «فضای مجازی، شبکه های اجتماعی و حاکمیت»، رهاورد نور، س ۱۵، ش ۵۶ (۷۳)، ص ۲-۹.

۱۳. طجری، علی بهرام و احمدحسین شریفی (۱۳۹۴)، «نقش قاعده اهم و مهم در حل نزاحمات اخلاق امنیتی»، *معرفت اخلاقی*، س ۶، ش ۱۸، ص ۲۱ - ۴۲.
۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، *بحار الانوار*، موسسه الوفاء، بیروت.
۱۶. محدث نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، آل البيت لاحیاء التراث، قم.
۱۷. مک نیون، دان (۱۳۹۵)، *اخلاق خلاق: درآمدی بر اخلاق نظری و عملی*، ترجمه ادیب فروتن، ققنوس، تهران.
۱۸. هوگلی، آ. (۱۳۹۴)، «نزاحم تکالیف»، ترجمه احمد رجبی، در *فرهنگنامه تاریخی مفاهیم فلسفه، جلد سوم: فلسفه اخلاق*، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران موسسه فرهنگی - پژوهشی نوارغنون، تهران.

19. Deibert, Ronald and others (eds.)(2008), **Access Denied: The Practice and Policy of Global Internet Filtering**, ed. by Ronald Deibert and others, MIT Press.
20. Cicero, Marcus Tullius (1928), **De Officiis**, With an English Translation by Walter Miller, London: William Heineman Ltd.
21. Mellema, Gregory F.(2005), **Ethics**, ed. by: John K. Roth, USA: Salem Press.
22. "Recommendation CM/Rec (2008) 6 of the Committee of Ministers to member states on measures to promote the respect for freedom of expression and information with regard to Internet filters"
- https://search.coe.int/cm/Pages/result_details.aspx?ObjectID=09000016805d3bc4.(visited: 3 August 2017).
23. Stratton-Lake, Philip (2000), **Kant, Duty and Moral Worth**, London and New York: Routledge.
24. Tzafestas, Spyros G. (2015), **Roboethics: A Navigating Overview**, New York: Springer.
25. Wainwright, William (2005), **Morality and Religion**, UK: Ashgate.

26. Wallach, Wendell; Allen, Colin (2009), **Moral Machines: Teaching Robots Right from Wrong**, New York: Oxford University Press.
27. آقامیری، سیدمحمد رضا، «هر ماه چند سایت فیلتر می شود؟»، (سایت انتخاب، ۲۷ فروردین ۱۳۹۲، کد مطلب: ۱۰۶۳۹۲)، [دسترسی ۱۲ آذر ۱۳۹۵].
<<http://www.entekhab.ir>>
28. اخوان بهابادی، مهدی، «عضویت در شبکه‌های اجتماعی جرم نیست، اما دور زدن فیلترینگ جرم است!»، (سایت انتخاب، ۲۷ تیر ۱۳۹۲، کد خبر: ۱۲۱۳۲۲)، [دسترسی ۲۵ دی ۱۳۹۵].
<<http://entekhab.ir/fa>>
29. «چگونگی ثبت نام برای دریافت VPN قانونی»، (سایت انتخاب، ۱۲ بهمن ۱۳۹۱، کد مطلب: ۹۴۱۷۵)، [دسترسی ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴].
<<http://entekhab.ir>>
30. «فیلترینگ و نظارت بر اینترنت در کشورهای جهان»، (سایت پیوندها، آخرین بازنگری: نامشخص)، [دسترسی ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۶].
<<http://peyvandha.ir/0-5.htm>>
31. «فهرست مصادیق محتوای مجرمانه»، (سایت پلیس فتا، آخرین بازنگری: نامشخص)، [دسترسی ۲۷ بهمن ۱۳۹۵].
<<https://www.cyberpolice.ir/page/2551>>
32. «فیلترینگ هوشمند اینترنت»، (سایت ویکی پدیا، آخرین بازنگری: ۱۰ فوریه ۲۰۱۷)، [دسترسی ۲۷ بهمن ۱۳۹۵].
<<https://fa.wikipedia.org>>
33. «وزیر اطلاعات: به تمام صفحات اینترنت اشراف داریم»، (سایت عصر ایران، ۱۷ بهمن ۱۳۹۵، کد خبر: ۵۲۱۹۴۹)، [دسترسی ۲۷ بهمن ۱۳۹۵].
<<http://www.asriran.com>>